جعفرزاده کرمانی، زهرا (۱۳۹۴).بررسی تأثیر عوامل فردی بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی. *پژوهش‌نامه کتابداری واطلاع‌رسانی*، ۵ (۲)، ۶۱-۴۰.

بررسی تأثیر عوامل فردی بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی

دکتر زهرا جعفرزاده کرمانی[۱]

تاریخ دریافت: ۹۳/۶/۱۷ تاریخ پذیرش: ۹۳/۸/۱۴

چکیده

هدف: *هدف پژوهش حاضر، بررسی عوامل فردی اثرگذار بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی در ایران است.*

روش: *این پژوهش از نوع کاربردی و با روش پیمایشی تحلیلی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه و جامعه آماری پژوهش را کلیه اعضای هیأت علمی تمام‌وقت گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی دارای دوره کارشناسی و بالاتر دانشگاه‌های تابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز واحدهای دانشگاه آزاد اسلامی (۱۲۰ نفر) بود که از این تعداد ۹۳ نفر (۷۷/۵ درصد) به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند.*

یافته‌ها: *بر پایه یافته‌های پژوهش، وضعیت به اشتراک‌گذاری دانش در میان اعضای هیأت علمی گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی در سطح متوسط است و براساس اولویت اعضای هیأت علمی، آنان در حوزه تدریس بیش از پژوهش و فعالیت‌های حرفه‌ای به اشتراک دانش می‌پردازند. عوامل مورد بررسی در این پژوهش شامل اعتماد، همکاری‌ها، ارتباطات و توانایی اعضای هیأت علمی در کاربرد فناوری‌ها به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیر داشت.*

کلیدواژه‌ها: *رفتار اشتراک دانش، اعتماد، همکاری‌ها، ارتباطات، دانش فناوری اطلاعات، اعضای هیأت علمی، علم اطلاعات و دانش‌شناسی*

۱.عضو هیات علمی گروه علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه بین‌المللی امام رضا (ع)، Jafarzadeh@imamreza.ac.ir

مقدمه

حرکت به‌سوی دانش‌محوری در دنیای کنونی مدیریت دانش را در حکم ابزاری کلیدی و راهبردی برای بهبود سطح تولید در سازمان‌ها، اشتراک و به‌کارگیری دانش مورد توجه قرار داده است (Spender & Grant, 1996, Stewart, 1997 quoted in Kim & Ju, 2008). اشتراک دانش یکی از حوزه‌های مهم مدیریت دانش است که در بطن پردازش دانش قرار دارد؛ جایی‌که دانش ایجاد می‌شود و مورد استفاده قرار می‌گیرد. در واقع، مدیریت دانش فراهم‌آوری اطلاعات مناسب برای افراد مناسب در زمان مناسب استتا آن افراد به تولید و اشتراک اطلاعات بپردازند. اشتراک دانش، یعنی فراهم‌آوری سطح دسترسی به دانش برای افرادی که به آن نیاز دارند. به بیان دیگر، اشتراک دانش بین افراد، فرایندی است که دانش پردازش شده توسط فردی به شکلی تغییر می‌یابد که دیگران بفهمند و به‌کار ببرند. بنابراین،به نظرمی‌رسدیکی از راه‌های موفقیت مدیریت دانش، سودمندی و مؤثر واقع شدن اشتراک دانش است (Kim & Ju, 2008).اشتراک دانش به‌عنوان عنصری حیاتی و مهم برای سازمان‌ها جهت گسترش خدمات یکپارچه، اشتراک منابع و تلاش در جهت ارتقاء یادگیری سازمانی و خلاقیت و نوآوری مطرح شده است (Zhang & Faerman, 2004 نقل در خاتمیان فر، ۱۳۸۶).

در میان سازمان‌ها، نقش دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی به‌عنوان محیطی که دارای بافتی حرفه‌ای،تخصصی و آموزشی می‌باشد در مسیر حرکت به‌سوی مدیریت مؤثر دانش و فراهم‌آوری فضایی برای اشتراک دانش بارزتر است. برخی از پژوهشگران محیط آموزشی و حرفه‌ای دانشگاه‌ها را مجموعه‌ای از خرده فرهنگ‌ها می‌دانند که این خرده‌فرهنگ‌ها فرایندی را شکل می‌دهند که اعضای هیأت علمی در آن به تدریس، تعامل و همکاری با یکدیگر می‌پردازند. بنابراین بدون توجه به تمایزهای حرفه‌ای و آموزشی، فرهنگ حرفه‌ای (خرده فرهنگ‌ها) با وجود اشاعه و انتشار دانش ارزش پیدامی‌کند (Austin, 1990 & Clark, 1987 quoted in Kim & Ju, 2008)

دانشگاه‌ها می‌توانند به‌عنوان محیطی آموزشی و پژوهشی، مکانی مناسب برای به اشتراک‌گذاری دانش و پیاده‌سازی فرهنگ اشتراک دانش به شمار آیند. در واقع دانشگاه‌ها نیز در فضای رقابتی قرار گرفته‌اند و ضروری است اطمینان یابند که در این محیط نیز دانش خلق، منتقل و بین افراد به اشتراک گذاشته می‌شود.

در این بین اعضای هیأت علمی به‌عنوان مهم‌ترین عنصر سازنده مؤسسات دانشگاهی در حوزه تولید و کاربرد دانش به شمار می‌روند. فعالیت‌های عمده آنان در حوزه تدریس، تحقیق، مشاوره و انجام

فعالیت‌های مرتبط با حرفه است. همان‌طور که نوناکا و تاکه اوچی[1] (۱۹۹۵) اشاره می‌کنند، اعضای هیأت علمی مالک دانش ضمنی و عینی هستند. دانشی ضمنی قابل ارائه به شکل ملموس نیست. این دانش در طی تدریس و یا در نتیجه تجربه حرفه‌ای ناشی از مهارت‌های شناختی، توانایی حل مسئله و انجام پژوهش کسب می‌شود، در حالی‌که دانش عینی همچون گزارش‌های پژوهشی، جزوات و دیگر مدارک، قابل‌لمس است.

کیم و جو[2] (۲۰۰۸) دانش اعضای هیأت علمی را شکل خاصی از دانش ذکر می‌کنندکه می‌تواند تحت شرایط خاص به اشتراک گذاشته شود و موفقیت سازمان را به همراه آورد. به بیان دیگر، از نظر آنان این دانش حیاتی و مهم هنگامی به جریان می‌افتد که افراد تمایل به همکاری و اشتراک دانش داشته باشند و افزون بر آن تمهیدات و سازوکارهای مؤثری نیز توسط سازمان در این رابطه فراهم شود. اعضای هیأت علمی تمایل دارند که دانش خود را از طریق گروه‌های رسمی و غیررسمی، ارتباطات الکترونیکی و کارگاه‌ها با همکاران خود به اشتراک بگذارند و این امر سرعت در یادگیری را به همراه دارد(Sundari, 2003; Meenakshi, 2002 quoted in Chaudhry, 2003).

با توجه به آنچه گفته شد شاید بتوان این‌گونه بیان کرد که شناسایی عوامل اثرگذار بر اشتراک دانش، به‌ویژه عوامل فردی (با توجه به فردگرا بودن فعالیت‌های اعضای هیأت علمی)، بتواند راه‌حلی برای رفع موانعی باشد که تولیدات علمی اعضای هیأت علمی، عملکرد بهتر آنان در فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی، ارتقاء دانش و رشد حرفه‌ای آنان را تحت تأثیر قرار می‌دهد. با این هدف و از آنجایی‌که تاکنون پژوهشی به‌طور خاص به این مهم نپرداخته است، این پژوهش به‌دنبال آن است تا ضمن بررسی وضعیت به‌اشتراک‌گذاری دانش اعضای هیأت علمی در حوزه تدریس، پژوهش و فعالیت‌های حرفه‌ای، به بررسی تأثیرعوامل فردی از جمله اعتماد فردی، همکاری‌ها، ارتباطات و مهارت در کاربرد فناوری‌های اطلاعاتی بر رفتار اشتراک دانش مدرسان علم اطلاعات و دانش‌شناسی بپردازد.

پیشینه پژوهش

مبحث اشتراک دانش از رویکردهای مختلف و در محیط‌های متفاوت توسط پژوهشگران مورد توجه قرار گرفته است. برخی عوامل تأثیرگذار بر اشتراک دانش را مورد بررسی قرار داده‌اند؛ برخی دیگر از پژوهش‌ها به بررسی زیرساخت‌های اشتراک دانش و برخی به نقش و تأثیر اشتراک دانش بر موفقیت سازمان‌ها پرداخته‌اند. با توجه به ماهیت این پژوهش در این بخش به چند نمونه از پژوهش‌هایی که به بررسی

1. Nonaka & Takeochi
2. Kim & Ju

تأثیرعوامل فردی، از جمله اعتماد، همکاری‌ها، ارتباطات و توانایی کاربرد فناوری‌ها بر اشتراک دانش پرداخته‌اند اشاره می‌گردد.

یانگ و چن[1] (۲۰۰۷) نقش توانایی‌های دانش سازمانی را در رفتار اشتراک دانش بررسی کردند. پیش‌فرض آن این بود که توانایی افراد در کسب دانش موجود در سازمان عامل کلیدی در موفقیت اشتراک دانش است. یافته‌ها نشان داد در میان چهار مقوله مطرح (توانایی دانش فرهنگی، توانایی دانش ساختاری، توانایی دانش بشری و توانایی دانش فنی)، توانایی دانش فنی مهم‌ترین عامل مؤثر بر رفتار اشتراک دانش به شمار می‌آید. همچنین نتایج این پژوهش نشان داد راه‌اندازی و پیاده‌سازی نظام‌های مدیریت دانش در سازمان بر توانایی دانش سازمانی و در نتیجه، بر اشتراک دانش مؤثر است. از طرفی، به‌جز در مقوله توانایی دانش فرهنگی، بین بقیه مقوله‌ها و اشتراک دانش رابطه معنادار مشاهده شد. بنابراین در سازمان‌هایی که نظام‌های مدیریت دانش اجرا شده است، توانایی دانش فنی، توانایی دانش ساختاری و توانایی دانش بشری به‌طور مثبت بر فعالیت‌های اشتراک دانش تأثیرگذار بود.

چوی، کنگ و لی[2] (۲۰۰۸) از میان مشوق‌های اجتماعی عواملی چون اعتماد، پاداش‌های درونی و بیرونی و از میان عوامل فنی، کیفیت نظام‌های مدیریت دانش را مورد بررسی قرار دادند. جامعه این پژوهش شامل ۲۰۰ نفر از کارکنانی که در دو شرکت صنعتی وابسته به مرکز علوم و فناوری در کشور کره مشغول به‌کاربودند می‌شد. یافته‌های این پژوهش حاکی از این مسئله بود که هر دو مشوق‌های درونی و بیرونی بر اشتراک دانش مؤثر هستند. همچنین یافته‌ها به تأثیر قوی اعتماد اشاره داشته و اینکه اگر کارکنان به تجربه و مهارت همکاران اعتماد داشته باشند، تمایل برای به اشتراک‌گذاری دانش افزایش خواهد یافت. همچنین در این پژوهش بین کیفیت نظام‌های مدیریت دانش و اشتراک دانش رابطه معناداری مشاهده نگردید.

رو و جین[3] (۲۰۰۸) به بررسی تأثیر اعتماد، ارتباطات، تعهد و فرهنگ بر رفتار اشتراک دانش ۱۲۸ نفر از اعضای تیم نرم‌افزاری ۵ شرکت در چین پرداختند. آنان در این پژوهش سازه‌های زیر را برای هر یک از عوامل مورد بررسی مورد توجه قرار دادند: اعتماد شامل اعتماد مبتنی بر دانش، مبتنی بر شناخت و مبتنی بر ارزش‌ها؛ ارتباطات شامل شبکه‌های ارتباطی و جو ارتباطی بین همکاران؛ تعهد شامل اهداف مشترک، نظام‌های انگیزشی و تعهدات و قراردادها و بالاخره اینکه فرهنگ شامل فرهنگ پیشرفت و نوآوری و فرهنگ اداری. یافته‌ها نشان داد که رفتار اشتراک دانش با اعتماد، ارتباطات، تعهد و فرهنگ رابطه‌ای مثبت دارد. از

1. Yang & Chen
2. Choi , Kang & Lee
3. Ru & Jin

این‌رو ارتقاء سطح اعتماد بین اعضای تیم، فراهم‌آوری کانال‌های ارتباطی و ایجاد فرهنگ اشتراک دانش ضرورت برای بهبود رفتار اشتراک دانش تلقی شد.

کیم و جو (۲۰۰۸) به بررسی دیدگاه اعضای هیأت علمی نسبت به همکاری و اشتراک دانش در موسسه‌ای دانشگاهی پرداختند. جامعه این پژوهش را اعضای هیأت علمی تمام وقت یک دانشگاه خصوصی در کره جنوبی تشکیل می‌داد. در این پژوهش محققان تأثیر شش متغیر مستقل(اعتماد، درک و برداشت، همکاری، نظام پاداش‌دهی، کانال‌های ارتباطی و سهولت برقراری ارتباط) را بر متغیر وابسته اشتراک دانش مورد بررسی قراردادند و رابطه آنها را با اشتراک دانش بررسی کردند. نتایج پژوهش گویای آن بود درک و برداشت اعضای هیأت علمی نسبت به‌ضرورت و اهمیت اشتراک مواد و منابع آموزشی و پژوهشی در سطح بالایی قرار دارد و آنان نسبت به مزایای اشتراک دانش در حوزه تحقیق و تدریس به‌خوبی آگاهی دارند.آنان همچنین نظام‌های پاداش‌دهی را پس از درک و برداشت به‌عنوان دومین عامل مهم در اشتراک دانش ذکر کردند. در مقابل، بین متغیرهای اعتماد، همکاری و کانال‌های ارتباطی مبتنی بر فناوری و اشتراک دانش رابطه معناداری پیدا نشد.

ابیلی، نارنجی ثانی، مختاریان و رشیدی[1] (۲۰۰۸) در پژوهشی نقش عواملی چون ساختار سازمانی، فرهنگ سازمانی، ارتباطات و تعامل بین ادارات بر اشتراک دانش را بررسی نمودند. در این پژوهش ۵۰ نفر از مدیران و کارشناسان مرکز مطالعات انرژی به‌عنوان جامعه پژوهش انتخاب شدند. یافته‌ها نشان داد وضعیت به اشتراک‌گذاری دانش در جامعه مورد مطالعه در سطح به‌نسبت مطلوبی قرار دارد. همچنین اشتراک دانش با عوامل اعتماد و تعهد رابطه‌ای مثبت دارد و وجود رابطه بین اعتماد و اشتراک دانش افزایش تعهد کارکنان نسبت به سازمان را به همراه دارد و این به نوبه خود می‌تواند تأثیری مستقیم بر فرایند ارتباط و در نهایت افزایش اشتراک دانش داشته باشد.

تان و نور[2] (۲۰۱۳) به بررسی تأثیر اعتماد، خودکارآمدی، پاداش، حمایت مدیر، فرهنگ سازمانی، زیرساخت‌ها و کیفیت نظام‌های مدیریت دانش، ارتباطات و تعاملات بر میزان به اشتراک‌گذاری دانش اعضای هیأت علمی در ۵ دانشگاه در مالزی پرداختند. نتایج نشان داد اشتراک دانش متأثر از اعتماد، پاداش سازمانی، فرهنگ، کیفیت نظام‌های مدیریت دانش و فضای ارتباطی و تعامل است. همچنین همکاری‌های علمی با به اشتراک‌گذاری دانش افزایش می‌یابد.

در داخل نیز پژوهش‌های اندکی به تأثیرعوامل فردی بر اشتراک دانش پرداختند. در این بین

1. Abili, Narenji Thani, Mokhtarian & Rashidi
2. Tan & Noor

خاتمیان‌فر(۱۳۸۶) در بخشی از پایان‌نامه خودعوامل مشوق و بازدارنده اشتراک دانش را در سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی بررسی نموده است. یافته‌های پژوهش نشان داد از میان عوامل فردی و سازمانی مؤثر بر اشتراک دانش، نبود زمان و وقت کافی برای شرکت در فعالیت‌های اشتراک دانش مانعی برای این فعالیت به شمار می‌آید. در مقابل، کسب دانش، ایجاد ارتباط و کسب وجه اجتماعی، احساس مسئولیت، اعتماد میان کتابداران و اعتماد سازمانی، عوامل مشوق اشتراک دانش شناخته شد.

پیشینه مرتبط با مطالعات انجام شده در زمینه رفتار اشتراک دانش نشان می‌دهد که مطالعه مبحث اشتراک دانش در محیط‌های آموزشی و پژوهشی و دانشگاه‌ها، به‌ویژه در حوزه علم اطلاعات و دانش‌شناسی مبحثی جدید است و در این زمینه پژوهش‌های انگشت‌شماری صورت گرفته است. از طرفی بررسی متون بیانگر آن است که عوامل اثرگذار بر رفتار اشتراک دانش می‌تواند در محیط‌های مختلف متنوع بوده و نتایج متفاوتی را داشته باشد.

اهداف پژوهش

اهداف اصلی این پژوهش عبارت بودند از:

۱) بررسی وضعیت به اشتراک‌گذاری دانش اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در سه حوزه تدریس، پژوهش و فعالیت‌های حرفه‌ای؛

۲) بررسی تأثیرعوامل فردی شامل اعتماد، همکاری‌ها، ارتباطات و توانایی اعضای هیأت علمی در کاربرد فناوری اطلاعات بر رفتار اشتراک دانش آنان.

در این راستا پرسش‌های زیر مطرح و فرضیه‌های مرتبط تدوین شد.

پرسش‌های پژوهش

پرسش اصلی: اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تا چه میزان به اشتراک دانش می‌پردازند؟

پرسش‌های فرعی:

۱) اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تا چه میزان به اشتراک دانش در حوزه تدریس می‌پردازند؟

۲) اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تا چه میزان به اشتراک دانش در حوزه پژوهش می‌پردازند؟

۳) اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تا چه میزان از طریق فعالیت‌های حرفه‌ای به اشتراک دانش می‌پردازند؟

فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اصلی:عوامل فردی به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تأثیر دارند.

فرضیه‌های فرعی:

۱) اعتماد اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی به یکدیگر به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیر دارد.

۲) همکاری‌های اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با یکدیگر به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیر دارد.

۳) ارتباطات اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با یکدیگر به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیر دارد.

۴) مهارت و توانایی اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در کاربرد فناوری اطلاعات به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیر معناداری دارد.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نوع کاربردی و با روش پیمایشی تحلیلی انجام شده است. ابزار گردآوری اطلاعات پرسشنامه محقق ساخته بود که با مطالعه متون مرتبط، پرسش‌های آن طرح شد. پرسشنامه در دو بخش تنظیم گردید؛ بخش اول شامل اطلاعات جمعیت شناختی شامل جنسیت، آخرین مدرک تحصیلی، رتبه دانشگاهی، دانشگاه محل خدمت و سابقه تدریس. بخش دوم شامل دو قسمت بود. قسمت اول شامل ۱۰ پرسش بسته و یک پرسش باز بوده که به بررسی رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی در سه حوزه تدریس، تحقیق و فعالیت‌های حرفه‌ای پرداخته است (پرسش‌های پژوهش). قسمت دوم شامل ۱۴ سؤال بسته که در ارتباط با متغیرهای مورد بررسی (اعتماد، مهارت و توانایی در کاربرد فناوری‌ها، همکاری‌ها و ارتباطات) بود (فرضیه‌های پژوهش). در این بخش براساس مقیاس پنج رتبه‌ای لیکرت (کاملاً موافقم=۵، موافقم=۴، نظری ندارم=۳، مخالفم=۲ و کاملاً مخالفم=۱) به بررسی تأثیر متغیرهای ذکر شده بر رفتار اشتراک دانش پرداخته شد. پرسشنامه‌ها از طریق پست و در مواردی پست الکترونیک برای اعضای هیأت

علمی ارسال شد.

جامعه آماری این تحقیق را کلیه اعضـــای هیأت علمی تمام‌وقت گروه های علم اطلاعات و دانش‌شـناسـی دارای دوره کارشـناسـی و بالاتر دانشـگاه‌های تابع وزارت علوم، تحقیقات و فناوری و نیز واحدهای دانشـگاه آزاد اسـلامی تشـکیل می‌دهند (۱۲۰ نفر). از این تعداد ۹۳ نفر (۷۷/۵ درصـد) به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند. لذا تجزیه و تحلیل نهایی بر روی این تعداد پرسشنامه‌های دریافت شده صورت گرفته است.

به‌منظور روایی، پرسشنامه در اختیار تعدادی از اعضای هیأت علمی قرار گرفت و ابهامات آن رفع گردید. همچنین جهت تعیین پایایی، پرسشنامه طراحی شده بین ۳۰ نفر از اعضای هیأت علمی علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه‌های مختلف جهت انجام پیش‌آزمون توزیع گردید و سپس با استفاده از محاسبه ضریب آلفای کرونباخ قابلیت اعتماد آن مورد سنجش قرار گرفت. ضریب آلفای کرونباخ به‌دست آمده ۸۱ درصد تعیین شد که نشان می‌دهد پرسشنامه از پایایی مناسبی برخوردار بوده است.

یافته‌های پژوهش

اطلاعات جمعیت شناختی: بررسی ویژگی‌های جمعیت شناختی جامعه موردنظر نشان داد از ۹۳ عضو هیأت علمی که به پرسشنامه پاسخ دادند، ۳۹ نفر اعضای هیأت علمی زن و ۵۴ نفر اعضای هیأت علمی مرد بودند. از نظر مدرک تحصیلی ۴۲ نفر دارای مدرک کارشناسی ارشد و ۵۱ نفر دارای مدرک دکتری؛ همچنین ۴۵ نفر با رتبه مربی، ۴۰ نفر استادیار، ۴ نفر دانشیار و ۴ نفر استاد بودند. بررسی وضعیت محل خدمت اعضای هیأت علمی نیز نشان داد ۵۹ نفر از اعضای هیأت علمی در دانشگاه‌های دولتی و ۳۲ نفر در دانشگاه آزاد شاغل بودند. از نظر سابقه تدریس، بیشترین فراوانی (۲۷ نفر) مربوط به اعضای هیأت علمی باسابقه تدریس بین ۵ تا ۱۰ سال و کمترین فراوانی (۱۴ نفر) مربوط به اعضای هیأت علمی با سابقه تدریس بیش از ۲۰ سال بود.

پاسخ به پرسش‌های پژوهش

به‌منظور پاسخ به پرسش اصلی پژوهش لازم است ابتدا به پرسش‌های فرعی پاسخ داده شود.

پرسش ۱: اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تا چه میزان به اشتراک دانش در حوزه تدریس می‌پردازند؟

رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی در حوزه تدریس (شامل اشتراک دانش و تجربه‌ای که در

تدریس کسب کرده‌اند، بحث و تبادل‌نظر درباره شیوه‌های تدریس، به اشتراک‌گذاری جزوات، اسلایدهای پاورپوینت و ... با همکاران) در جدول ۱ قابل مشاهده است.

جدول ۱.توزیع فراوانی، درصد فراوانی، میانگین و انحراف معیار نظرات اعضای هیأت علمی درباره اشتراک دانش در حوزه تدریس

گزینه‌ها / گویه‌ها	خیلی زیاد	زیاد	متوسط	کم	هیچ	میانگین	انحراف معیار
اشتراک دانش و تجربه در تدریس	۲۸	۲۷	۲۲	۱۶	-	۲/۶۱	./۹۵
اشتراک دانش و بحث و تبادل‌نظر در مورد شیوه‌های تدریس	۱۸	۲۴	۳۲	۱۹	-		
به اشتراک‌گذاری جزوات، اسلایدهای پاورپوینت و دیگر منابع مورد استفاده در تدریس	۲۷	۲۷	۲۵	۱۱	۳		

با مشاهده میانگین کسب شده در زمینه اشتراک دانش در تدریس (۲/۶۱) در جدول ۱ می‌توان چنین نتیجه گرفت که اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی بیش از حد متوسط در این حوزه تلاش می‌کنند. به‌طوری‌که تعداد زیادی(۵۴ نفر) بیان نموده‌اند که در صورت نیاز همکاران، جزوات و دیگر منابع آموزشی مورد استفاده در تدریس را در اختیار همکاران خود قرار می‌دهند.

پرسش ۲.اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تا چه میزان به اشتراک دانش در حوزه پژوهش می‌پردازند؟

جدول ۲. میانگین و انحراف معیار تولیدات علمی به‌طور مستقل و مشترک اعضای هیأت علمی و درصد تولیدات علمی مشترک

گویه‌ها	گزینه‌ها	میانگین	انحراف معیار
تولیدات علمی مستقل	مقاله تألیفی	۹/۳۳	۱۳/۱۴
	مقاله ترجمه	۳/۳۶	۶/۶۸
	کتاب تألیفی	۱/۲۷	۳/۷۲
	کتاب ترجمه	۰/۷۸	۳/۲۳
	طرح پژوهشی	۱/۰۱	۱/۶۹
تولیدات علمی مشترک	مقاله تألیفی	۴/۵۴	۷/۶۶
	مقاله ترجمه	./۶۹	۳/۳۴
	کتاب تألیفی	۰/۷۵	۱/۸۹

	کتاب ترجمه	۰/۴۰	۱/۱۰
	طرح پژوهشی	۱/۱۰	۱/۷۶
درصد تولیدات علمی مشترک	۳۲/۲۷		

رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی در پژوهش دربردارنده فعالیت‌های علمی-پژوهشی آنان در قالب تعداد آثار منتشر شده به‌صورت مشترک با همکاران شامل مقاله(تألیف و ترجمه)، کتاب(تألیف و ترجمه) طرح پژوهشی اجرا شده و همچنین میزان مشارکت آنان جهت آگاهی‌رسانی به همکاران در زمینه خلأهای پژوهشی محاسبه گردیده است. جهت مقایسه و درک بهتر، میانگین تولیدات علمی مستقل اعضای هیأت علمی و فعالیت‌های علمی انجام شده به‌طور مشترک در جدول ۲ ارائه می‌شود.

همان‌طورکه در جدول ۲ مشاهده می‌شود، بیشترین میانگین تولیدات علمی اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی به تألیف مقاله علمی به‌طور مستقل(۹/۳۳) و کمترین میانگین به ترجمه کتاب به‌طور مشترک(۰/۴۰) اختصاص دارد. همچنین مشاهده میزان تولیدات علمی مشترک اعضای هیأت علمی بیانگر این نکته است که نزدیک به یک‌سوم (۳۲/۲۷درصد) تولیدات علمی اعضای هیأت علمی به‌طور مشترک با همکاران صورت می‌پذیرد.

از سویی دیگر با مشاهده تولیدات علمی اعضای هیأت علمی که به‌طور مستقل تهیه شده با نمونه‌های مشابه که حاصل کار مشترک است، می‌توان چنین بیان نمود که به‌جز در مورد طرح‌های پژوهشی، در بقیه موارد میزان تولیدات علمی مستقل بیش از مشترک می‌باشد به‌طوری‌که در برخی موارد نیز اختلاف میانگین‌ها چشمگیر است (۹/۳۳= مقاله تألیفی مستقل، ۴/۵۴ =مقاله تألیفی مشترک).

جدول ۳. توزیع فراوانیاعضای هیأت علمی براساس میزان آگاهی‌رسانی در زمینه خلأهای پژوهشی

میزان آگاهی‌رسانی در زمینه خلأهای پژوهشی	فراوانی اعضای هیأت علمی	درصد
خیلی زیاد	۱۰	۱۰/۸
زیاد	۳۴	۳۶/۶
متوسط	۳۲	۳۴/۴
کم	۱۴	۱۵/۱
هیچ	۲	۲/۲

بررسی میزان آگاهی‌رسانی اعضای هیأت علمی در زمینه خلأهای پژوهشی به همکاران نشان می‌دهد بیشترین فراوانی، یعنی ۳۴ نفر (۳۶/۶ درصد) مربوط به اعضای هیأت علمی است که بیان داشتند تا حد زیاد در زمینه خلأهای پژوهشی به همکاران خودآگاهی‌رسانی می‌نمایند و ۲ نفر(۲/۲ درصد) که کمترین فراوانی

می‌باشند نیز با انتخاب گزینه هیچ نشان دادند که در این زمینه هیچ فعالیتی انجام نمی‌دهند.

پرسش ۳: اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تا چه میزان از طریق فعالیت‌های حرفه‌ای به اشتراک دانش می‌پردازند؟

جدول ۴. توزیع فراوانیاعضای هیأت علمی براساس میزان عضویت در انجمن‌ها و هیأت تحریریه

گزینه‌ها / گویه‌ها	فراوانی میزان عضویت	فراوانی اعضای هیأت علمی	درصد
عضویت در انجمن حرفه‌ای	بیش از ۳	۱۸	۱۹/۴
	۳	۱۴	۱۵/۱
	۲	۱۶	۱۷/۲
	۱	۳۲	۳۴/۴
عضویت در هیأت تحریریه مجله	بیش از ۳ عنوان	۱۶	۱۷/۲
	۳ عنوان	۶	۶/۵
	۲ عنوان	۴	۴/۳
	۱ عنوان	۱۲	۱۲/۹

جدول ۵. توزیع فراوانیاعضای هیأت علمی براساس میزان پذیرش داوری مقالات

پذیرش داوری مقالات	فراوانی اعضای هیأت علمی	درصد
بله	۷۱	۷۶/۳
خیر	۲۰	۲۱/۵

همان‌طورکه جداول ۴ و ۵ نشان می‌دهد، وضعیت اعضای هیأت علمی از نظر عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای و داوری مقالات به‌نسبت مطلوب است به‌طوری‌که ۳۲ نفر حداقل در یکی از انجمن‌های حرفه‌ای به عضویت درآمده‌اند. همچنین تعداد زیادی از اعضای هیأت علمی(۴۸ نفر)عضو بیش از ۱ مورد از انجمن‌های حرفه‌ای می‌باشند. تعداد قابل‌توجهی از اعضای هیأت علمی نیز (۷۱ نفر) داوری مقالات را به عهده دارند. اما برخلاف انجمن‌های حرفه‌ای و داوری مقالات، در زمینه عضویت در هیأت تحریریه مجلات، تعداد به‌نسبت زیادی(۵۴ نفر) عضو هیأت تحریریه مجلات نمی‌باشند.

پرسش اصلی پژوهش: اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تا چه میزان به اشتراک دانش می‌پردازند؟

پاسخ نهایی به پرسش اصلی پژوهش در جدول ۶ آمده است.

جدول ۶.شاخص‌های آماری، میانگین و انحراف معیار رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی

گزینه‌ها / گویه‌ها	میانگین	انحراف معیار
رفتار اشتراک دانش در تدریس	۲/۶۱	/۹۵.
رفتار اشتراک دانش در تحقیق	۱/۸۹	/۷۵.
رفتار اشتراک دانش در فعالیت‌های حرفه‌ای	۱/۶۰	۱/۲
رفتار اشتراک دانش به‌طورکلی	۲/۰۵	/۸۰.

جدول ۶ بیانگر آن است که رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی در حوزه تدریس (۲/۶۱) بیش از پژوهش (۱/۸۹) و فعالیت‌های حرفه‌ای (۱/۶۰) است.همچنین میانگین کسب شده برای رفتار اشتراک دانش (۲/۰۵) نیز بیانگر آن است که اعضای هیأت علمی در سطح متوسط به اشتراک دانش می‌پردازند.

آزمون فرضیه‌های پژوهش:

فرضیه ۱. اعتماد اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی به یکدیگر به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیر دارد.

جدول ۷. توزیع فراوانی و شاخص‌های آماری،میانگین و انحراف معیار نظرات اعضای هیأت علمی درباره اعتماد

گزینه‌ها / گویه‌ها	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین	انحراف معیار
اعتماد به دانش همکاران	۱۵	۵۴	۱۷	۶	–	۲/۶۱	۰/۵۸
اشتراک دانش و تجربیات به‌طور داوطلبانه و بدون ترس از سوءاستفاده	۲۳	۴۸	۱۴	۷	۱		
ارائه دانش و کسب دانش و تجربیات به‌طور متقابل	۱۴	۴۶	۱۸	۱۵	–		
دشواری متقاعد نمودن همکاران نسبت به ارزش و اعتبار دانش خود	۳	۱۹	۴۳	۲۴	۴		

یافته‌های جدول ۷نشان می‌دهد بیشترین فراوانی، یعنی ۷۱ نفر با انتخاب گزینه‌های کاملاً موافقم و موافقم اظهار داشته‌اند که حاضرند به‌طور داوطلبانه و بدون ترس از سوءاستفاده، دانش، تجربیات و جزوات درسی خود را در اختیار همکاران قرار دهند. تعداد به‌نسبت زیادی نیز، ۶۹ نفر بیان داشته‌اند به دانش و تجربه

همکاران خود اعتماد دارند.

جدول ۸. آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی معناداری ارتباط بین اعتماد و رفتار اشتراک دانش

ضریب همبستگی پیرسون		اعتماد
رفتار اشتراک دانش	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۲۰
	مقدار P	۰/۰۰۲

با مشاهده اطلاعات به‌دست آمده در جدول ۸ با توجه به اینکهp-value به‌دست آمده کوچک‌تر از ۰/۰۵می‌باشد (r=۰/۳۲۰و p-value۰/۰۰۲>۰/۰۵) می‌توان چنین نتیجه گرفت که اعتماد اعضای هیأت علمی به یکدیگر بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیر دارد. بدین مفهوم که با افزایش سطح اعتماد، میزان به اشتراک‌گذاری دانش اعضای هیأت علمی نیز افزایش می‌یابد. بدین ترتیب فرضیه اول پژوهش تأیید می‌شود.

فرضیه ۲. همکاری‌های اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با یکدیگر به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیر دارد.

جدول ۹. توزیع فراوانی و شاخص‌های آماری،میانگین و انحراف معیار نظرات اعضای هیأت علمی درباره به همکاری

گزینه‌ها / گویه‌ها	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین	انحراف معیار
کسب دانش و تجربه همکاران هنگام مواجهه با مشکل	۲۳	۵۶	۹	۴	۱	۲/۶۴	۰/۵۱
انجام کارهای گروهی مانند همکاری در تهیه جزوات درسی، همکاری در تألیف یا ترجمه کتاب، مقاله و...	۱۲	۴۶	۲۹	۵	–		
حل مشکل به‌صورت انفرادی و بدون نیاز به کمک همکاران	۱۰	۲۷	۲۲	۳۲	۱		
اطمینان به استفاده از دانش و تجربه همکاران به هنگام نیاز	۱۷	۶۰	۱۰	۵	–		

همان‌گونه که در جدول ۹ مشاهده می‌شود، تعداد زیادی از اعضای هیأت علمی، یعنی ۷۹ نفر با انتخاب گزینه‌های کاملاً موافقم و موافقم بیان داشته‌اند که از همکاران خود انتظار دارند هنگام برخورد با مشکل از دانش و تجربه آنان بهره ببرند. همچنین تعداد ۷۷ نفر نیز به این نکته اشاره کرده‌اند که تردیدی ندارند که از دانش و تجربه همکاران به هنگام نیاز بهره خواهند برد. این بدان مفهوم است که اعضای هیأت

علمی تا حدود زیادی به همکاری‌ها و حل مشکل با استفاده از دانش همکاران علاقه‌مند می‌باشند.

جدول ۱۰.آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی معناداری تأثیر همکاری‌ها بر رفتار اشتراک دانش

ضریب همبستگی پیرسون		همکاری‌ها
رفتار اشتراک دانش	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۴۵۸
	مقدار P	۰/۰۰۰

نتایج آزمون معناداری تأثیر همکاری‌های اعضای هیأت علمی بر رفتار اشتراک دانش آنان در جدول ۱۰ قابل‌مشاهده است. با توجه به اینکه در این آزمون p-value به‌دست آمده کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد (r =۰/۴۵۸ و ۵درصد > p-value۰/۰۰۰)، می‌توان چنین نتیجه گرفت که همکاری‌ها به‌عنوان عاملی مؤثر بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی به شمار می‌رود و بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌شود.

فرضیه ۳.ارتباطات اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با یکدیگر به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک آنان دانش آنان تأثیر دارد.

جدول ۱۱.توزیع فراوانی و شاخص‌های آماری، میانگین و انحراف معیار نظرات اعضای هیأت علمی درباره ارتباطات

گزینه‌ها / گویه‌ها	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین	انحراف معیار
ارتباط با اعضای هیأت علمی در داخل یا خارج از دانشگاه	۲۸	۵۰	۱۲	۳	–	۳/۲۶	۰/۵۶
تعامل و ارتباط به‌منظور افزایش اندوخته‌های دانشی	۲۶	۵۸	۸	۱	–		
ضرورت تعامل و ارتباط بین مالکان و نیازمندان دانش	۵۲	۳۴	۵	–	–		

با مشاهده یافته‌های به‌دست آمده در جدول ۱۱ می‌توان چنین بیان نمود که اعضای هیأت علمی از نظر ارتباط با همکاران در وضعیت به‌نسبت مطلوبی قرار دارند. بیشترین فراوانی، ۸۷ نفر تعامل و ارتباط بین کسانی که مالک دانش هستند و کسانی که به دانش نیاز دارند را لازم می‌دانند. همچنین با مشاهده میانگین به‌دست آمده (۳/۲۶) می‌توان به این نتیجه رسید اعضای هیأت علمی در حد خیلی زیاد با همکاران خود در داخل یا خارج از دانشگاه به‌منظور به اشتراک‌گذاری دانش و افزایش اندوخته‌های دانشی خود ارتباط برقرار می‌کنند.

جدول ۱۲. آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی معناداری تأثیر ارتباطات بر رفتار اشتراک دانش

ضریب همبستگی پیرسون		ارتباطات
رفتار اشتراک دانش	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۳۶۱
	مقدار P	۰/۰۰۰

جدول ۱۲یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی معناداری تأثیر ارتباطات اعضای هیأت علمی بر رفتار اشتراک دانش آنان را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود p-value به‌دست آمده از این آزمون کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد (r =۰/۳۶۱ و ۵ درصد >p-value۰/۰۰۰) و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارتباطات اعضای هیأت علمی با یکدیگر به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیرگذار است. از این‌رو، فرضیه سوم پژوهش نیز تأیید می‌شود.

فرضیه ۴. مهارت و توانایی اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در کاربرد فناوری اطلاعات به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش آنان تأثیر دارد.

جدول ۱۳.توزیع فراوانی و شاخص‌های آماری، میانگین و انحراف معیار نظرات اعضای هیأت علمی درباره مهارت و توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات

گزینه‌ها / گویه‌ها	کاملاً موافقم	موافقم	نظری ندارم	مخالفم	کاملاً مخالفم	میانگین	انحراف معیار
توانایی استفاده از نظام‌های اطلاعاتی	۱۶	۴۱	۱۰	۲۲	۴	۲/۷۴	۰/۶۰
استفاده از اینترنت، گروه‌های بحث و...	۲۶	۵۳	۱۰	۱	–		
استفاده از نظام‌های مدیریت دانش	۱۰	۵۰	۲۷	۵	–		

یافته‌های جدول ۱۳ بیانگر آن است تعداد زیادی از اعضای هیأت علمی، ۷۹ نفربا کاربرد اینترنت و بسترهای آن از جمله گروه‌های بحث آشنایی دارند و می‌توانند از این بستر برای اشتراک دانش استفاده کنند. همچنین با وجودی که ۵۷ نفر بیان داشته‌اند بدون نیاز به کارگاه‌های آموزشی توانایی استفاده از نظام‌های اطلاعاتی را دارا می‌باشند، ۲۶ نفرنیز توانایی استفاده از نظام‌های اطلاعاتی را منوط به گذراندن کارگاه‌های آموزشی دانسته‌اند. همچنین تعداد زیادی نیز، ۶۰ نفر به توانایی استفاده از نظام‌های مدیریت دانش برای اشتراک دانش اشاره داشتند. در مجموع میانگین کسب‌شده (۲/۷۴) برای این گویه نشان می‌دهد که توانایی و مهارت اعضای هیأت علمی در کاربرد فناوری‌ها به‌منظور به اشتراک‌گذاری دانش در حد زیاد

است.

جدول ۱۴. آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط بین مهارت و توانایی اعضای هیأت علمی در کاربرد فناوری اطلاعات و رفتار اشتراک دانش

ضریب همبستگی پیرسون		مهارت و توانایی در کاربرد فناوری اطلاعات
رفتار اشتراک دانش	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۲۷۶
	مقدار P	۰/۰۰۷

یافته‌های جدول ۱۴ بیانگر آن است که p-value به‌دست آمده کوچک‌تر از ۵ درصد می‌باشد (r =۰/۲۸۶ و ۵ درصد >p-value۰/ ۰۰۷)، بنابراین می‌توان چنین نتیجه گرفت که بین مهارت و توانایی اعضای هیأت علمی در کاربرد فناوری اطلاعات و رفتار اشتراک دانش آنان در سطح اطمینان ۹۵ درصد رابطه معناداری وجود دارد و بنابراین فرضیه فوق تأیید می‌شود. از این‌رو، هر چه مهارت و توانمندی آنان در استفاده از فناوری‌ها از جمله سامانه‌های مدیریت دانش، اینترنت و بسترهای آن، نظام‌های اطلاعاتی و... افزایش یابد، میزان اشتراک دانش آنان هم افزایش می‌یابد.

پاسخ به فرضیه اصلی پژوهش:عوامل فردی به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی تأثیر دارد.

جدول ۱۵. آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی ارتباط بین عوامل فردی و رفتار اشتراک دانش

ضریب همبستگی پیرسون		عوامل فردی
رفتار اشتراک دانش	ضریب همبستگی پیرسون	۰/۵۳۰
	مقدار P	۰/۰۰۰

جدول۱۵ یافته‌های حاصل از آزمون همبستگی پیرسون جهت بررسی معناداری تأثیر عوامل فردی را به‌طور کلی بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که مشاهده می‌شود p-value به‌دست آمده از این آزمون کوچک‌تر از ۵درصد می‌باشد (r ۰/۵۳۰ = و ۵ درصد >p-value۰/۰۰۰) و بنابراین می‌توان نتیجه گرفت در سطح اطمینان ۹۵ درصد عوامل فردی به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی تأثیرگذار است. از این‌رو، فرضیه اصلی پژوهش نیز تأیید می‌شود.

نتیجه

با توجه به اینکه در این پژوهش رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی در سه حوزه تدریس، پژوهش و فعالیت‌های حرفه‌ای مورد بررسی قرار گرفت، نتایج نشان داد اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی در حوزه تدریس(به اشتراک‌گذاری دانش و تجربه‌ای که در تدریس کسب نموده‌اند، به اشتراک‌گذاری شیوه‌های مورد استفاده در تدریس و اشتراک منابع آموزشی مورد استفاده) در سطح به‌نسبت مطلوبی قرار دارند؛به‌طوری‌که میانگین کسب‌شده در این زمینه بیش از حد متوسط می‌باشد.

مقایسه تولیدات علمی مستقل و مشترک نیز نشان می‌دهد جز در مورد طرح‌های پژوهشی (با توجه به اینکه میانگین به‌دست آمده برای طرح‌های پژوهشی مشترک کمی بیش از طرح‌های مستقل می‌باشد) در دیگر موارد میزان تولیدات علمی اعضای هیأت علمی که به‌طور مستقل انجام پذیرفته است بیش از تولیدات علمی مشترک می‌باشد، حتی می‌توان گفت در برخی مقوله‌ها مانند تألیف یا ترجمه مقاله این اختلاف چشمگیر است.این امر بیانگر آن است: ۱. بسیاری از اعضای هیأت علمی در انجام فعالیت‌های علمی پژوهشی به‌ویژه به‌طور مشترک غیرفعال می‌باشند؛۲. انجام فعالیت‌های علمی مشترک به سمت و سوی شکلی خاص از منابع مانند کتاب یا طرح پژوهشی گرایش دارد؛۳. افراد در مواردی که انجام فعالیت‌های علمی به‌نسبت زمان بر است و یا به دانش و تخصص‌های متفاوتی نیاز است، به انجام کارهای مشترک می‌پردازند (تألیف یا ترجمه کتاب و یا طرح پژوهشی از این‌گونه موارد به شمار می‌رود)؛و ۴.تقریباًیک‌سوم از تولیدات علمی اعضای هیأت علمی به‌طور مشترک با همکارانشان صورت می‌گیرد.

بررسی وضعیت مشارکت اعضای هیأت علمی در فعالیت‌های حرفه‌ای (عضویت در انجمن‌های حرفه‌ای، عضویت در هیأت تحریریه مجلات و داوری مقالات) نیز نشان داد که از مجموع ۹۳ نفری که به پرسشنامه‌ها پاسخ دادند، ۱۲ نفر از اعضای هیأت علمی عضو هیچ‌یک از انجمن‌های حرفه‌ای نمی‌باشند و بقیه به نسبت‌های مختلف از یک تا بیش از سه مورد عضو انجمن‌های حرفه‌ای مرتبط با رشته می‌باشند. این امر گویای آن است که با توجه به فراهم آمدن شاخه‌های مختلف از انجمن‌های کتابداری در شهرهای مختلف، فرصت مناسب برای عضویت و مشارکت اعضای هیأت علمی در انجمن‌ها که می‌تواند بستری برای تبادل اندیشه‌ها و تجربیات باشد فراهم آمده است. در زمینه عضویت اعضای هیأت علمی در هیأت تحریریه مجلات، نتایج نشان داد تعداد زیادی از اعضای هیأت علمی (۵۴ نفر) عضو هیأت تحریریه مجلات نیستند که این امر با توجه به اینکه عضویت در هیأت تحریریه شرایطی چون برخورداری از مدرک دکتری و به‌ویژه مرتبه دانشیاری را نیاز دارد امری طبیعی است. با این وجود، در زمینه داوری مقالات نکته قابل‌توجه آن است که ۷۱ نفر،یعنی ۷۶/۳ درصد از اعضای هیأت علمی داوری مقالات را به عهده داشته و از این طریق به تبادل

دانش می‌پردازند.

در بررسی عوامل اثرگذار بر رفتار اشتراک دانش (اعتماد فردی، همکاری‌ها، ارتباطات و مهارت در کاربرد فناوری اطلاعات) نتایج آزمون‌های آماری نشان داد که این عامل‌ها به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی تأثیر دارد.

بررسی معنادار رابطه بین اعتماد فردی و رفتار اشتراک دانش نشان داد که با افزایش سطح اعتماد، میزان اشتراک دانش اعضای هیأت علمی نیز افزایش می‌یابد. نتایج یافته‌های به‌دست آمده از گویه‌های مربوط به اعتماد نیز نشان داد که تعداد زیادی از اعضای هیأت علمی (۶۹ نفر) به دانش و تجربه همکاران خود اعتماد دارند و میانگین کسب شده (۲/۶۱) نیز به‌وجود اعتماد در حد زیاد اشاره دارد. اما آنچه قابل توجه است آن است که تعداد به‌نسبت زیادی نیز (۴۳ نفر) به این نکته اشاره نمودند که متقاعد کردن همکاران نسبت به ارزش دانشی که در اختیار دارند برایشان سخت است. به احتمال زیاد این امر گویای این مطلب است که اعضای هیأت علمی نسبت به همکاران و دانش آنان شناخت کافی ندارند. مسلماً این شناخت زمانی حاصل می‌شود که فعالیت‌های مشترک علمی اعضای هیأت علمی افزایش یابد. لذا ضرورت ایجاد شرایط لازم در دانشگاه‌ها (ایجاد انگیزه به شیوه‌های مختلف برای انجام امور مشترک در پژوهش و تدریس) احساس می‌شود.

همچنین ایجاد فضایی که افراد بتوانند به یکدیگر اعتماد کرده و به‌راحتی دانش و تجربیات خود، حتی نتایج یافته‌های خود را در اختیار همکارانشان قرار دهند، مقوله‌ای است که باید مدیران مورد توجه قرار دهند. در غیر این صورت، فقدان اعتماد بین افراد سازمان پیش می‌آید که دانش به‌جای آنکه توزیع شود و بین افراد مبادله گردد، ذخیره و در اختیار افراد معدودی قرار می‌گیرد (Robins, 2008). همچون پژوهش حاضر، پژوهش گائو[1] (۲۰۰۴) نیز نشان داد که اعتماد فردی به‌طور معناداری بر رفتار اشتراک دانش تأثیر دارد. گائو که تأثیر اعتماد را بر اشتراک دانش دانشجویان بررسی کرد به این نتیجه رسید که اعتماد دوطرفه مهم‌ترین عامل مؤثر بر رفتار اشتراک دانش افراد است.

در زمینه تأثیر همکاری‌ها بر رفتار اشتراک دانش، یافته‌ها بیانگر این مطلب است که تعداد زیادی از اعضای هیأت علمی(۷۷ نفر) به همکاری با دیگر اعضا و استفاده از دانش و تجربه آنان پایبند هستند. در همین راستا، نزدیک به ۵۸ نفر از اعضای هیأت علمی به انجام فعالیت‌های گروهی مانند همکاری در تهیه جزوات درسی و یا تألیف و ترجمه کتاب، مقاله و .... اشاره نمودند که این امر گویای آن است که اعضای

1. Gao

هیأت علمی تا حدودی به انجام فعالیت‌های مشارکتی و همکاری با یکدیگر علاقه‌مند می‌باشند. اما جالب‌توجه است که چنین همکاری‌هایی به‌ویژه در زمینه تولیدات علمی مشترک در عمل کمتر قابل مشاهده است. شاید دلیل آن به فراهم نبودن چنین بسترهایی در دانشگاه‌ها برمی‌گردد (یکی از این بسترها اصلاح آیین‌نامه ارتقا می‌تواند باشد که در آن به نویسندگانی که تولیدات علمی مستقل دارند امتیاز بیشتری از نویسندگان همکار تعلق می‌گیرد). از این‌رو، با توجه به اینکه اشتراک دانش بر پایه اشاعه تجربیات افراد و همکاری‌های بین فردی شکل می‌گیرد (Kim & Lee, 2006) و از آنجایی‌که در سال‌های اخیر انجام پژوهش‌های بین‌رشته‌ای در دانشگاه‌ها رو به گسترش است (Kim & Ju, 2008)، ضروری است دانشگاه‌ها به انجام فعالیت‌های گروهی بین اعضای هیأت علمی (که می‌تواند براساس همکاری‌ها و تشکیل گروه‌های هم کارکرد) شکل گیرد، ارزش بیشتری دهند.

یافته‌ها حاکی از آن است که ارتباطات و تعاملات اعضای هیأت علمی می‌تواند به‌طور معناداری بر میزان رفتار اشتراک دانش آنان تأثیرگذار باشد. امروزه با توجه به اینکه دانشگاه‌ها بسترهای لازم برای تعامل و ارتباط را تا حدودی فراهم کرده‌اند (اینترنت، اینترانت، نشریات داخلی، کارگاه‌ها و ...) به افزایش ارتباطات و در نتیجه اشتراک دانش کمک نمودند.

تأثیر همکاری و تعاملات دوجانبه در پژوهش تان و نور (Tan & Noor, 2013) نیز بررسی گردید و یافته‌ها نشان داد تعامل دوطرفه به‌طور معناداری بر اشتراک دانش تأثیر دارد. همچنین با افزایش همکاری‌ها، اشتراک دانش نیز افزایش می‌یابد.

یافته‌های پژوهش نشان داد مهارت و توانایی اعضای هیأت علمی در کاربرد فناوری‌ها به‌عنوان متغیری مهم در رفتار اشتراک دانش به‌شمار می‌رود. تحقیقات انجام شده برخی از پژوهشگران هم نشان داد توانایی کارکنان در کاربرد فناوری اطلاعات و نظام‌های مبتنی بر فناوری از متغیرهای مهم و تأثیرگذار بر توانمندی‌های افراد در اشتراک دانش باشد (Gouza, 2006; Gao, 2004; Kwok & Gao, 2006).

فناوری‌ها بستری استکه دسترسی و اشاعه دانش را تسهیل می‌کند و بدون توانایی استفاده از فناوری‌ها، فراهم‌آوری چنین بستری بی‌فایده است (Yang & Chen, 2007).از این‌رو، شاید بتوان این‌گونه نتیجه گرفت چون دانشگاه‌ها به ایجاد بسترها تا حدودی اقدام نمودند و شرایط تا حدودی برای تبادل دانش آماده گردیده است، در صورتی‌که برگزاری کارگاه‌های آموزشی آشنایی با فناوری‌ها را نیز مطابق با نیاز اعضای هیأت علمی در اولویت قرار دهند و همچنین شرایط شرکت اعضای هیأت علمی را در آن فراهم آورند، توانایی و مهارت اعضای هیأت علمی در استفاده از نظام‌های اطلاعاتی و نظام‌های مدیریت دانش را

بهبود بخشیده و شرایط مطلوب برای اشتراک دانش مهیا می‌شود.

بررسی عوامل فردی به‌طورکلی بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی نیز نشان داد که رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی متأثر از عوامل فردی (اعتماد، همکاری‌ها، ارتباطات و مهارت و توانایی در کاربرد فناوری) به‌طورکلی می‌باشد. این امر با توجه به فرد محور بودن بخش عمده‌ای از فعالیت‌های اعضای هیأت علمی (آموزش و پژوهش) قابل توجیه است. از این‌رو، توجه ویژه به عوامل فردی و ایجاد شرایط و بسترهای لازم جهت تقویت این عوامل، ارتقاء دانش فردی، تسهیل جریان دانش بین اعضای هیأت علمی بر پایه همکاری‌ها و ارتباطات و در نتیجه توسعه و موفقیت سازمان را به همراه خواهد داشت.

پیشنهادهای اجرایی

۱) در جهت تقویت اشتراک دانش در دانشگاه‌ها زیرساخت‌ها و بسترهای لازم توسط مسئولان فراهم‌شده و فرهنگ‌سازی به شیوه‌ای مطلوب صورت پذیرد.

۲) موانع موجود و عوامل بازدارنده اشتراک دانش در دانشگاه‌ها شناسایی و مرتفع گردد.

۳) چون عوامل مورد بررسی در این پژوهش (اعتماد، همکاری‌ها، ارتباطات و توانایی در کاربرد فناوری‌ها) از عوامل اثرگذار در اشتراک دانش شناسایی گردید، مدیران می‌توانند با تقویت نظام پاداش‌دهی، برگزاری نشست‌های علمی و دوستانه علاوه بر تشویق افراد به اشتراک دانش و فراهم نمودن فضای تبادل اطلاعات و دانش، منجر به شناخت اعضای هیأت علمی نسبت به توانمندی‌های همکاران شده و علاوه بر اینکه به گسترش تولید علم کمک نمایند، جوی قابل‌اعتماد نیز به‌وجود آورند.

پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آتی

۱) پیشنهاد می‌شود پژوهشی دیگر در رابطه با تأثیر عوامل شخصیتی، سازمانی، فنی و فرهنگی بر رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی انجام گیرد.

۲) پیشنهاد می‌شود با توجه به گسترش فعالیت‌های میان‌رشته‌ای در میان اعضای هیأت علمی، پژوهشی دیگر انجام پذیرد و رفتار اشتراک دانش اعضای هیأت علمی رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با اعضای هیأت علمی رشته‌های دیگر بررسی شود.

۳) پیشنهاد می‌شود آسیب‌شناسی در آموزش عالی صورت پذیرد و موانع اشتراک دانش در گروه‌های علم اطلاعات و دانش‌شناسی بررسی شود.

کتابنامه

خاتمیان فر، پریسا. (۱۳۸۶). *بررسی وضعیت، شیوه‌ها، و عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در سازمان کتابخانه‌ها، موزه‌ها و مرکز اسناد آستان قدس رضوی*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشکده علوم تربیتی و روانشناسی، دانشگاه فردوسی مشهد.

نوناکا، ایکو جیرو،تاکه اوچی،هیروتاکا (۱۹۹۵).*شرکت‌های دانش آفرین : چگونه شرکت‌های ژاپنی نوآوری را محقق می‌سازند*. ترجمه علی عطافر، جبار اسلامی،آناهیتاکاوه وسعیدآنالویی، ۱۳۸۵، چاپ اول، قم:سماء قلم.

Abili, K., Narenji Thani, F., Mokhtarian, F., Rashidi, M. M. (2011). "The role of effective factors on organizational knowledge sharing". *Procedia: Social and Behavioral Sciences, International Conference on Education and Educational Psychology (ICEEPSY*). August 5-7 Bangalore, India. Available at: www.sciencedirect.com

Chaudhry, A.S. (2005). "Knowledge sharing practices in Asian institution; a multi- cultural perspective from Singapore".*World Library & Information Congress: 71th Ifla General Conference & Council*, *Libraries- A Voyage of discovery.* August 14-18, Oslo, Norway. Available at: http://www.ifla.org/ IV/ Ifla 71/ Programme.html

Choi, S.Y., Kang, Y.S. & Lee, H. (2008). "The effects of socio- technical enablers on knowledge sharing: an exploratory examination". *Journal of Information Science*, 34 (5), 742- 754. Retrieved April 5, 2009 from http://sagepub.com

Gao, S. (2004). "*Understanding knowledge sharing behavior*".Master's Thesis. The Hong Kong University of Science & Technology. Retrieved May5, 2010, fromwww.proqust.com

Gouza, A. (2006). "Key factors of knowledge transfer with in university spin- off".Business Economics Department, Autonomous University of Barcelona, Spain Retrieved June 8, 2009 fromhttp://webs2002.uab.es/ dep- economia- empresa/ Journadas/ papers/ 2006/ pdf

Kim, S. & JU, B. (2008). "An analysis of faculty perceptions: Attitudes toward knowledge sharing and collection in an academic institution". *Library and Information Science Research*, 30, 282-290. Retrieved June 11, 2009 from http://www.sciencedirect.com

Kim, S., Lee, H. (2006). "The impact of organizational context and information technology on employee knowledge- sharing capabilities".*Public Administration Review*, May & June, 3370-385.Retrieved May 3, 2009 fromhttp://online library.wiley.com/ doi/io.1111/pdf.

Kwok, S. H. & Gao, S. (2006). "Attitude towards knowledge sharing behavior". *Journal of Computer & Information systems*, 46(2), 45. Retrieved May 3, 2009from www.ebscohost.com

Robins, M. (2008). "Improving your knowledge sharing culture". Retrieved May 3, 2009 www.competia.com

Ru, W. J. & Jin, Y. (2008). "Study on knowledge sharing behavior in software development team".Retrieved January 19,210 from www.IEEEXplore.org

Tan, C.N. &Noor, S.M. (2013). "Knowledge management enablers, knowledge sharing and research collaboration: a study of knowledge management art research universities

in Malaysia". *AsianJournal of Technology Innovation*.21 (2), 251-257 available at http://dx.doi.org

Yang, C & Chen, L.C. (2007). "Can Organizational knowledge capabilities affect knowledge sharing behavior"?*Journal of Information Science*, 33(1), 95-109. Retrieved April 5, 2009 from http://jis.sagpub.com